

زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی

مهدی مهریزی

یکم. تفاسیری که بر قرآن کریم نوشته شده، در تفسیر آیات مربوط به زن متفاوتند. این تفاوت ها به مبانی معرفتی و فرهنگی مفسر و نیز اوضاع و احوال فرهنگی-اجتماعی حاکم بر حیات مفسر برمی گردد. یکی از اموری که می تواند به عنوان عامل تأثیرگذار بر این موضوع مورد توجه قرار گیرد، مسئله جنسیت است. این پرسش مطرح است که آیا مرد یا زن بودن مفسران در نوع تفسیرشان از آیات قرآنی اثر گذاشته است یا نه و چگونه می توان این تأثیرگذاری را به اثبات رساند روشن است اثبات و استنتاج چنین تأثیرگذاری می بایست بر پایه شرایط و اصول کلی چنین استنتاج هایی صورت پذیرد که بدان اشاره خواهد شد.

دوم. متناسفانه تفاسیر زنان بر قرآن کریم بسیار اندک است و تا آنجا که نگارنده تتبع کرده پیش از دوران معاصر از چنین تفاسیری اثر و نشانی در دست نیست. آنچه در دوران معاصر به رشته تحریر درآمده عبارتند از:

۱. مخزن العرفان، نوشته بانو مجتهده امین (۱۲۶۵ - ۱۳۶۲ش)، ۱۵ جلد. این تفسیر یک دوره کامل تفسیر قرآن به زبان فارسی است که هر پانزده جلد از سوی انتشارات انجمن حمایت از

۱. خانواده های بی سرپرست اصفهان به چاپ رسیده است.
۲. بیانی از قرآن، زهرا روستا (تولد ۱۳۹۵-)، ۳ جلد، کتاب بوسف، تهران، ۱۳۸۱، ۷۹۶+۷۸۴+۸۱۶ص. این اثر تفسیر کامل و فشرده ای از قرآن کریم است که به بیان نویسنده با الهام از تفاسیر گرانبهای چون تفسیر صافی، تفسیر المیزان، مجمع البیان، منهج الصادقین و کنز العرفان^۱ نگارش یافته است. و چنان که در معرفی این تفسیر آمده حاصل بیش از بیست سال تحقیق می باشد.
۳. تفسیر روان، سیده صدیقه صاحبکار خراسانی (تولد ۱۳۳۸-)، مشهد، ۱۳۸۴، ۶ جلد، ۱۲۷+۱۲۷+۱۵۱+۱۵۹+۱۵۲+۱۶۲ص. هر جلد از این تفسیر حاوی یک جزء از قرآن است که بر پایه تفسیر المیزان، مجمع البیان، نمونه و با استفاده از روایات کافی نوشته شده است. در مقدمه آمده است که این کتاب حدوداً هشت سال به صورت جزوه مورد استفاده بوده است.
۴. آشنایی با قرآن، ترجمه و شرح، فرزانه زنبقی (تولد ۱۳۳۷-). نشر تاریخ و فرهنگ، تهران. این اثر به صورت رنگی و برای نوجوانان تدوین شده است. در هر جلد یکی از جزء های قرآن ترجمه و شرح شده است. نویسنده در مصاحبه ای مطرح کرده که از تفسیر های المیزان و مجمع البیان بیشترین بهره را برده است. نویسنده مدیر مدرسه راهنمایی و دبیرستان ترگس است^۲ که قاعدتاً این زمینه کاری در نوع نگاه و نحوه نگارش و انگیزه وی بسیار مؤثر بوده است.
۵. التفسیر البیانی، نوشته عایشه بنت الشاطی. این تفسیر در دو جلد منتشر شده و تنها چهارده سوره از سوره های کوچک جزء سی ام قرآن را دربر می گیرد. در جلد اول سوره های

۱. بیانی از قرآن، ح ۱، مقدمه کتاب.
۲. همان، معرفی روی جلد.
۳. تفسیر روان، ج ۱، ص ۷.
۴. کتاب هفت، ۲۹ شهریور ۱۳۸۲، ص ۱۹.

۲۱۸۶

ضحی، شرح، زلزله، عادیات، نازعات، بلد و تکاثر تفسیر شده است و در جلد دوم سوره های عنق، فم، عصبر، لیل، فجر، شمه و ماعون. این تفسیر از سوی انتشارات دارالمعارف در قاهره به چاپ رسیده است. نگاه مفسر در این اثر بر جنبه های ادبی قرآن می باشد.

باید اشاره کنم در برخی متون از دو تفسیر دیگر که به دست زنان نگارش یافته، یاد می شود که البته تاکنون به چاپ نرسیده و نیز از نسخه های آن نیز اطلاعی در دست نیست، آن دو عبارتند از:

۱. تفسیر قرآن، نوشته جانان بیگم (م ۱۰۷۰ق)؛^۵
۲. تفسیر موضوعی قرآن، نواب خانم اصفهانی (م ۱۳۱۷ق). گفته اند این تفسیر در چهار جلد به شرح زیر است:
- قصص و حکایات.
- احکام و دستورات.
- مواظ و اندرزها.
- معارف و حکمت ها.^۶

سوم. تفسیری که با توجه به کامل بودن و قدمت در این مقاله بررسی می گردد آن تفسیر مخزن الاسرار بانو امین اصفهانی است. بانو امین در سال ۱۲۶۵ ش در اصفهان زاده شد. وی دروس حوزوی را به صورت فردی و نزد استادانی چون: حجت الاسلام حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای، حجت الاسلام حاج آقا حسین نظام الدین کجویی، حجت الاسلام والمسلمین میرزا علی اصغر شریف، آیت الله سید ابوالقاسم دهکردی، آیت الله میرزا علی آقا شیرازی، آیت الله میر سید علی نجف آبادی تا مرحله اجتهاد گذراند. ۷ ایشان از تعدادی از مراجع و مجتهدان اجازه اجتهاد دارد که عبارتند از: آیه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، آیت الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی، آیت الله میرزا آقا اصطهباناتی.^۸

وی علاوه بر تلاش های چشمگیر علمی- فرهنگی در تعلیم و تربیت بانوان، به تألیف آثاری چند در موضوعات اسلامی دست زد، که برخی از آنها به زبان عربی و برخی دیگر به زبان فارسی می باشد. فهرست آثار ایشان عبارت است:

۱. اخلاق و راه سعادت، گزیده و ترجمه طهارة الاعراق این مسکویه؛
۲. اربعین الباشمعة؛
۳. طایر فرخنده، تفسیر سوره نور؛
۴. جامع المشتات؛
۵. روش جویشختی و توصیه به خواهران ایمانی؛
۶. سیر و سلوک در روشن اولیاء و طریق سیر سعدها؛

۲۱۸۴

۷. النفحات الرحمانية في الوردات القلبية؛
۸. مخزن اللثالی در فضیلت مولی السوالی علی بن ابی طالب؛^۷
۹. معاد یا آخرین سیر بشر؛
۱۰. مخزن العرفان در تفسیر قرآن؛
۱۱. حاشیة الاسفار الازیعة؛
۱۲. حاشیة فرائد الاصول؛
۱۳. حاشیة المکاسب؛
۱۴. حقوق زنان در اعلامیه حقوق بشر.^۹

چهارم. بزرگ ترین اثر بانو امین تفسیر مخزن العرفان در پانزده جلد است. این تفسیر بر پایه تاریخ هایی که در پایان برخی مجلدات ثبت شده در فاصله ی نزدیک به بیست سال بدین ترتیب نگارش یافته است:

۱. جلد دوم، دوشنبه ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۸ق، ۱۸ دی ۱۳۲۷ش؛
۲. جلد چهارم، سه شنبه ۴ صفر ۱۳۸۱ق، ۱۳۴۰ش؛
۳. جلد پانزدهم، سه شنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۱ق، ۱۸ مهر ۱۳۴۰ش؛
۴. جلد سیزدهم، پنج شنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۸ق، ۲۴ مرداد ۱۳۴۲ش؛
۵. جلد دوازدهم، سه شنبه ۲ جمادی الثانی، ۱۳۸۵ق، ۶ مهر ۱۳۴۲ش؛
۶. جلد هفتم، ۱۰ شعبان ۱۳۹۱ق، ۹ مهر ۱۳۵۰ش؛
۷. جلد ششم، جمعه ۵ رمضان ۱۳۹۲ق، ۱۳۵۱ش؛
۸. جلد پنجم، چهارشنبه ششم محرم ۱۳۹۴ق، ۱۳۵۲ش. خانم امین در ذیل هر بخش از آیات ابتدا ترجمه فارسی، سپس توضیح آیات و بعد بیان دارد و در ادامه به پرسش ها و پاسخ ها و جواب اعتراض ها می پردازد، البته ترجمه و توضیح در ذیل همه آیات به چشم می خورد ولی دو عنوان دیگر فراگیر نیست.

۵. دائرةالمعارف نشیخ، ح ۱۵، ص ۲۷۷.
۶. زنان نامی، ص ۱۰۴. به نقل از تذکرة النبیور، آیت الله عبدالکریم گزری اصفهانی.
۷. برخی از آرای فقهی وی عبارتند از: عدم اعتبار اذن پدر در صحت نکاح دختر باکره رشیده (جامع الشتات، ص ۱۷۵). عدم اعتبار لفظ در صحت ندمی معاملات حتی نکاح (مخزن العرفان، ج ۲، ص ۳۰۴).
۸. بانوی مجتهد ایرانی، ص ۳۲-۳۵.
۹. در سرگذشت بانو امین تاکنون دو کتاب در نظر شده و هه چنین چند کتاب در سوره ایشان به رشته تحریر درآمده که بدین شرح است: بانوی مجتهد ایرانی، ناصر باقری بیهدندی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱؛ بانامه عالمه مجتهده حاجه خانم امین، سید مصطفی هادی.

لیدر در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی

منابعی که مفسر بدان بسیار رجوع می کند، عبارتند از:
یک. کتب تفسیر و علوم قرآنی: مجمع البیان، جامع البیان، روح البیان، تفسیر ابوالفجوح رازی، منهج الصادقین، تفسیر صافی، المیزان، تفسیر طنطاوی، تفسیر ملاصدرا، کشف الاسرار، تفسیر بیضاوی، تیبیان.

دو. کتب حدیث: کافی، تهذیب الاحکام، من لایحضره الفقیه، خصال، تفسیر عیاشی، تفسیر علی بن ابراهیم، تفسیر نور الثقلین، بحرالانوار
سه. کتب لغت: مفردات راغب
چهار. کتب دیگر: احیاء العلوم.

گفتنی است در موارد بسیار نام نویسنده و منبع را ذکر نکرده، گرچه آغاز و پایان نقل را مشخص ساخته است.

درباره منهج و روش این تفسیر می توان گفت: تلاش مفسر بر روشن کردن مفاهیم آیات برای خواننده فارسی زبان است و یک منهج و روش به معنای خاص آن یعنی ادبی، فلسفی، فقهی و ... را دنبال نمی کند. البته مطالب فلسفی و عرفانی در آن کم نیست. نقل های بسیار از تفسیر ملاصدرا، کشف الاسرار مینویسد و گاه نقل مطالبی از احیاء العلوم غزالی گواه این امر است. به عبارت دیگر می توان گفت مفسر اهتمام دارد، جنبه های معنوی قرآن را برای خواننده آشکار کند و او را به رشد ایمانی و دینی برساند.

پنجم. یکی از موضوعاتی که برای پژوهشگران جالب است، این است که تفسیرهای این بانو از آیات درباره زنان به ویژه آیاتی که با سؤال و پرسش همراه است روشن گردد. به سخن دیگر دانسته شود وی این آیات را چگونه شرح می دهد و در برابر تفسیرهای گوناگون صورت گرفته چه موضعی دارد. با بررسی این تفسیر می توان گفت: در تفسیر این نوع آیات دو گونه برخورد و منشی ملاحظه می شود:

مخالفت با تفسیرهای سنتی: تفسیر سنتی از آیات. اینک به گزارش این موارد می پردازیم.

یک. مخالفت با تفسیرهای سنتی

در این زمینه از این نمونه ها می توان یاد کرد:

۱. در تفسیر آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحْضِ فَلَنْ هُوَ أَذَى» اذی را رنج و مشقت دانسته و دیدگاه های دیگر را نمی پذیرد و می نویسد:

توضیح آیه: ای محمد(ص) از تو سؤال می کنند، از حیض مفسرین در شأن نزول آیه چنین گویند: چون عادت عرب در زمان جاهلیت این بوده که در موقع حیض از زن به کلی

کناره گیری می کردند و او را در خانه تنها می گذاشتند و به هیچ وجه با وی معاشرت نمی کردند همان طوری که عادت مجوس بر همین منوال بوده، شخصی به نام ابوالحداح از حضرت رسول(ص) سؤال نمود و گفت: یا رسول الله ما بایستی در موقع حیض با زن چه عمل کنیم آن وقت این آیه فرود آمد: «فَلْ هُوَ أَذَى». در معنای «اذی» از مفسرین سه قول نقل شده:

فناده و سدی گفته اند: یعنی حیض، نجاست و قذارت است؛ مجاهد گفته اذی به معنای خون حیض است؛ قاضی گفته «اذی» اشاره به ایذا و مشقتی است راجع به زن در ایام حیض.

و قول سوم اقرب به حقیقت و معتبرتر است و شاید اشاره به این باشد که جماع در حال حیض برای زن ضرر کلی دارد، چنانچه اطبا گفته اند در حال حیض منافذ رحم باز است و طبیعت مشغول به تطهیر رحم و مهیا کردن آن است برای حمل و ممکن است رگ های نازکی که باز شده برای خارج کردن خون زائد، به جماع خدشه ای به آن وارد آید و رحم را فاسد گردانند. این است که قرآن امر می فرماید که خودداری نمایید از جماع در حال حیض.^{۱۲}

۲. در تفسیر آیه «فَاتُوا حُرَّتَكُمْ أَيُّ شَيْءٍ» برای آئی معنای محدود قائل شده و می گوید:

شیخ طبری در اینجا کلامی دارد که اجمالی از آن را ترجمه می نمایم: چنین گوید بین مفسرین در معنای این جمله اخیر گفتاری است:

- ۱. زنان شما موضوع کثت و زراعت شمایند، «ای ششم» از هر جا بخواید وارد گردید. فناده و ربیع
۲. «کیف شستم» وارد گردید هر ضروری که بخواید.

(مجاهد).

۱. مانند صاحب اسرار عبادات (ج ۸، ص ۱۰۴)، عقل نظری و حکمت عملی (ج ۴، ص ۹۵)، جبر و تنبیه (ج ۳، ص ۲۰۴-۲۱۷)، تاریخ عرفانی (ج ۵، ص ۲۰۱)، بحث عقلی (ج ۳، ص ۳۳۳) و نقل قول های فراوان از ملاصدرا.

۱۱. بقره (۲) آیه ۲۲۲.

۱۲. مخزن العرفان، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۰۸.

۱۳. بقره (۲) آیه ۲۲۳.

۲۸۱۲

۳. «ای شستم» یعنی وارد گردید هر زمانی که بخواید. (ضحاک).

و این معنای اخیر نزد اهل لغت صحیح نیست، زیرا که ائی در لغت به معنای آئین و آیین مکان است، چنانچه گفته می شود «ای لک هذاه» کجا از برای تو است. چنین امری، تا آنجا که گفته مالک به این آیه استدلال کرده بر جواز وطی هر کسی به اذن خود در برابر و از بسیاری از مفسرین مثل نافع، ابن عمر، زید بن اسلم، و محمد بن منکدر چنین روایت می کنند و بسیاری از اصحاب ما نیز چنین گفته اند لکن تمام فقهاء مخالفت کرده اند و گفته اند. مقصود از حرث نیست مگر نسل، پس بایستی به همان موضع نسل اقتصار نمود و قائلین به اباحت اعتراض نموده اند که آیه را حمل بر موضع نسل نمودن درست نیست، زیرا که وقتی زنان ما به منزله محل زراعی ما باشند بایستی برای ما مباح باشد هر طوری که بخوایم وارد گردیم.

لکن چنانچه فقهاء گفته اند متبادر از ظاهر آیه که زن را به منزله حرث قرار داده دلالت دارد بر اقتصار به همان موضع نسل نه غیر آن و عمومیت از آن استفاده نمی گردد. و عده ای از اخبار در کافی و تهذیب و غیره تأیید می نماید همان ظاهر آیه را. در تفسیر قمی از صادق آل محمد(ص) چنین روایت می کنند که «ای شستم» یعنی هر زمانی که بخواید در فرج. زیرا که زرع موضع بذر است و تشبیه زن به بذر کنایه به موضع نطفه است و از مجموع اخبار می توان استفاده نمود که قوله تعالی «ای شستم» یعنی راجع به همان موضع مخصوص از هر راهی که بخوایم و هر وقت که بخوایم و هر کجا که بخوایم و به هر کیفیت که بخوایم مختاری که این توسعه در مقام استمتاع است.

و چنانچه بعضی از علمای تفسیر گفته اند اینکه بسیاری از علمای امامیه حکم به جواز داده اند با کراهت، به ادله دیگری است نه به این آیه، زیرا که ظاهر آیه انصراف از این معنا دارد و دلالت بر این طور توسعه ندارد.^{۱۴}

۳. در تفسیر آیه «وَلَهْنٌ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَ بِالْمَعْرُوفِ»^{۱۵} حقوق زن و مرد را برابر دانسته و چنین نوشته است:

و زنان را بر مردان حقی است مثل این که مردان را بر زنان

۲۷۱۲

حقی است. چون تعلیمات، قرآنی بلکه تمام دستورات و مقررات اسلامی روی میزان اصول اجتماعی، مطابق قانون عقل و منطق استوار گردیده و یکی از اصول فطرت و قوانین مدنی و اجتماعی حقوق زناشویی و قوانین ازدواج است که بایستی روی قاعده و میزان صحیح انجام داده شود و قرآن به تمام تر وجهی و صحیح ترین قانونی که اهل فن می دانند که در عالم چنین قانونی مصیبتی سابقه نداشته، قانونی وضع نموده. بین چگونه پس از آنکه زن و شوهر را راجع به حقوق زناشویی مساوی قرار داده، بلکه در تمام شئون اجتماعی و فردی مثل معاملات، معاشرت، حقوق، تجارت و غیر اینها چنانچه از این آیه «وَلَهْنٌ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَ بِالْمَعْرُوفِ» استفاده توان نمود و شاید نظر به مساوات زن و مرد دارد آنجا که فرموده: «فَعَنْ لِيَسْ لَكُمْ وَاتَّقُوا لِيَسْ لَهْنٌ» زیرا که لباس مساوی با قامت و قامت مساوی با لباس است و اگر چه مورد این آیه حکم جماع در شب ماه رمضان است، چنانچه آیه «وَلَهْنٌ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَ بِالْمَعْرُوفِ» نیز در مورد حقوق زناشویی فرود آمده، لکن چنانچه از معصوم رسیده قرآن ظاهری دارد و باطنی و باطنی آن را نیز باطنی است که تا هفت بطن تحدید می نماید و نیز اشارات و کنایات بسیاری دارد که لا یعلم تفسیرها و لا تأویلها الا الله والراسخون فی العلم و ایضاً مورد تخصص نمی شود. غالباً احکامی که از قرآن استفاده می شود در موارد خاصی فرود آمده، لهذا ممکن است از عموم آیه بین زن و مرد در تمام شئون زندگی مساوات استفاده نمود، مگر در مواردی که استثناء شده.^{۱۶}

۴. در تفسیر آیات نخست سوره نساء «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ» خلقت زن از دنده چپ مرد را مردود دانسته و می نویسد:

ظاهر آیه مقصود این است که تمام افراد بشر از یک مرد و زن خلقت شده اند با کثرتی که بین افراد است و تماماً در حقیقت انسانیت یکی و متحد می باشند و از یک اصل و ریشه پیدایش نموده اند و شاهد آن خود آیه است که فرموده «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» زیرا که ضمیر «کم» راجع به تمام افراد است. «وخلق منها زوجها»

راغب گفته به هر نر و ماده ای که از طبقه حیوان باشد و با یکدیگر جفت گردند زوج گفته می شود، و معنای وسیع آن

۱۴. مخزن العرفان، ج ۲، ص ۳۱۰-۳۱۲.

۱۵. بقره (۲) آیه ۲۲۸.

۱۶. مخزن العرفان، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۲.

روز تفسیر مخزن العرفان بانو امین امینیه

الغذای قید حیوانیت است، بنابراین به هر دو موجودی که با یکدیگر قرین باشند چه حیوان و چه غیر حیوان زوج گفته می شود، و وسیع تر از آن اتلاق زوج است بر هر چیزی که با چیز دیگر که مانند یا ضد اوست همراه باشد. قال الله تعالی: ﴿فَجَعَلَ مِنْهُ الْبُحْدَيْنِ الْبُكَرَ وَالْأُنثَى﴾^{۱۷} «و زوجه را جفت کرد و زوجه در مؤنث لغت پستی است».

در اینکه خدای تعالی حوا را از چه چیز آفریده دو قول است، اکثر مفسرین و مشهور بین آنها این است که پس از آفرینش آدم (ع) حوا را از دنده چپ آدم بیرون آورده، لکن بعض اخبار آن را انکار می نماید. در تفسیر عیاشی از عمرو بن ابی المقدام از پدرش روایت کرده، قال «سألت ابا جعفر (ع) من ای شیء خلق الله الحوا». وقتی سائل از حضرت سؤال می کند که خدا حوا را از چه چیزی آفرید حضرت فرمود: مردم چه می گویند. گفت: می گویند خدا حوا را از دنده ای از دنده های آدم (ع) خلق کرده. فرمود: دروغ می گویند آیا خدا عاجز بود که او را از غیر دنده آدم خلقت گرداند. سائل گوید: گفتیم «جعلت فداک» یابن رسول الله (ص) پس او را از چه چیز خلق کرده. فرمود: پدرم از پدران خود مرا خبر داد که رسول الله (ص) فرمود: خدای تعالی شتی از خاک برداشت و به دست راست با هم مخلوط گردانید و هر دو دست او یمن است و از آن آدم را خلقت نمود و از زیادتى خاک آدم، حوا را آفرید.

و نیز در کتاب علل الشرایع در ضمن حدیث طویل از زرارة از ابا عبدالله (ع) نقل می کند که گفته از ابا عبدالله (ع) از خلقت حوا سؤال نمودم که مردم می گویند خدای عزوجل حوا را از دنده چپ آدم آفریده، حضرت فرمود: سبحان الله و تعالی عن ذلك، آیا خداوند قادر نبود زوجه آدم را از غیر دنده او خلق کند و این کلام شیعی است که گفته شد، بعضی از اجزای آدم با بعضی اجزای دیگرش نکاح کردند تا آخر.

و طنطاوی در تفسیر جواهر گفته بدان که راجع به کیفیت خلقت آدم (ع) و حوا و قرآن دلیل قطعی نیامده، مگر به قدری که عقول بشر اقتضای فهم آن را دارد و نفوس بتوانند فهم نمایند و آن تفصیل آن در کتب سماوی نیست مگر به قدری که مقدمه باشد برای مطالبی که مربوط به آن است و علما از عرب و عجم در تفصیل و بیان آن کوشیده اند و حای تعجب است که به حقیقت و کذب آن پی نبرده اند و به اصل حقیقت نرسیده اند تا آخر بحثش که توضیح می دهد که آنچه دانشمندان راجع به پیدایش سر خودات گفته اند اغلب آن مخالف واقع است.

و از بعض مفسرین است که گفته ظاهر جمله «وخلق منها زوجه» این است که می خواهد بگوید زوج این فرد هم مثل خودش از همین نوع است و این افراد بر آکنده هم همه از یک اصل می باشند، بنابراین لفظ من نشریه است و این آیه همان معنایی را بیان می کند که در آیات ذیل بیان شده می فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾^{۱۸} «و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجاً و جعل لكم من أزواجكم بنین و حنفاً»^{۱۹}.

و نظیر همین آیه است ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ الْجَزَعِ الْأَمِينِ﴾^{۲۰} پس آنچه از کتب تفسیر ذکر شده که آیه در صد بیان این مطلب است که جفت این فرد از خودش گرفته شده و این طور که در بعض اخبار است که خداوند زن آدم را از یکی از دنده های وی آفریده هیچ شاهدی از خود آیه بر آن نمی توان یافت (المیزان).

آری چنانچه گفته شده چون در خود آیه از کیفیت خلقت حوا بیانی نشده و احادیثی که در این خصوص رسیده مختلف است، می توان گفت که همان طوری که در بعض اخبار است خدای تعالی حوا را از بقیه طینت آدم آفریده و بنابراین معنای آیه چنین می شود که خدا آدم را آفریده و از زیادتى گل او حوا را آفریده، و این معنا به حقیقت نزدیک تر می نماید، زیرا که زن و مرد هر دو انسانند و باید از یک ماده آفریده شده باشند.^{۲۱}

۵. در تفسیر آیه ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكَ كَالْأُنثَى﴾^{۲۲} این قسمت آیه را سخن خداوند دانسته و می نویسد:

خلاصه شرح این آیات چنانچه مفسرین گفته اند چنین است: خداوند رسولش را یادآور می کند که یادکن وقتی را که زن عمران در مقام مناجات گفت: پروردگارا منم که در فرزندی که در رحم دارم در راه خدمت تو آزاد گردانم (شاید مقصودش این بوده که او را مخصوص به خدمتگذاری بیت المقدس گردانم) نذر مرا بپذیر، زیرا که تو شنوا و

۱۷. قیامت (۷۵) آیه ۳۹. ۱۸. بقره (۲) آیه ۳۵.
۱۹. روم (۳۰) آیه ۲۱.
۲۰. نحل (۱۶) آیه ۷۲.
۲۱. ذاریت (۵۱) آیه ۴۹.
۲۲. مخزن العرفان، ج ۴، ص ۶۰-۶۱.
۲۳. آل عمران (۳) آیه ۳۶.

۲۱۷۷

۱. در تفسیر آیه «الزَّجَالَ فَوَاقُونَ عَلَى النِّسَاء»^{۲۷} می نویسد:

«الزَّجَالَ فَوَاقُونَ عَلَى النِّسَاء» به فعل الله... قیَم کسی را گویند که مهم کس دیگر را انجام دهد و قیام صیغه مبالغه است، و فضل فروزی بعضی است نسبت به بعض دیگر و چون غالباً بالطبع هم در تدبیر و هم در نیر و مندی و تحمل شدائد مردها بر اغلب زن ها فروزی دارند و چنانچه دانشمندان گفته اند و نیز به تجربه معلوم شده زندگانی زن ها احساسی و عاطفی است و بر نازک کاری و ظرافت تکیه دارد. به این جهات «وبما انفقوا من أموالهم» یعنی و نیز از جهت انفاق مردها بر زن ها و مهر و بعضی خصوصیات دیگر فرموده «وبما فضل الله»، خدای تعالی مردها را در این جهات بر زن ها فضیلت داده و باید دانست که این فضیلت و برتری مردها بر زن ها از جهت قوت عقلی و نیروی بدنی به طور کلی بر کلی است نه به طور شمولی بر تمام افراد، زیرا چنانچه معلوم است خیلی از زن های بوده و هستند که در تدبیر و عقل بلکه در قوای بدنی بر بعضی از مردها فضیلت دارند.^{۲۸}

۲. در تفسیر آیه «وَالزَّجَالَ عَلَيْنَهُنَّ دَرَجَةً»^{۲۹} می نویسد:

«وَالزَّجَالَ عَلَيْنَهُنَّ دَرَجَةً». پس از آنکه زن و مرد را در حقوق زناشویی مساوی قرار داده و به میرانی که در شرع و عرف تعیین شده بایستی هر یک مراعات حقوق یکدیگر را نمایند، مرد برتری دارد بر زن و شاید مقصود از درجه و استیلا مرد بر زن راجع به حقوق زوجیت همان حق استمتاع باشد که شوهر مالک هر گونه استمتاع و حظی است که از زن توان برد که این گونه استمتاع در مقابل نفقه و تأمین امور زندگانی زن است که به گردن شوهر قرار داده و زن بایستی در مقابل آن تمکین کند.

زن و مرد اگر چه در انسانیت شریکند، لکن شالوده خلقت زن و مرد از لحاظ قوای دماغی، جنسی، احساسات طبیعی و مزاجی تفاوت دارد، چنانچه تجربه شده مرد اگر چه قوه فکرش زیادتر است، لکن زن حساس تر است. بعضی از دانشمندان گفته اند زن و مرد اگر چه از حیث قوا و احساسات با هم تفاوت کامل دارند ولی هیچ کدام قوی تر از دیگری نیستند و به واسطه اختلاف طبیعت زن و مرد

عالمی و به اسرار همه کائنات آگاهی. چون مادر مریم وضع حمل نمود دید نوزاد دختر است، از روی حسرت گفت: پروردگارا دختر زاییدم و خدا به آنچه زاییده ام دانایتر است. و گویا می خواسته بگوید من امید داشتم پسر باشد، لکن خدا می داند چه حکمت هایی در وجود این دختر پنهان است و پسر مثل دختر نیست.

مفسرین گفته اند که این معنا در جمله «وَالله اعلم بما وضعتنه نهفته است و «ولیس الذکر کالأنثی» جمله مستأنفه است و کلام خداست، خدا می داند که زن هارون دختر زایید و اگر پسر زاییده بود آن حکمت هایی که در این دختر هست در پسر نبود، زیرا اگر چه ممکن بود پسر مثل عیسی با معجزات باشد، لکن بر وجود این دختر آیات دیگری است، اولاً باید از وجود این دختر عیسی بی پدر متولد گردیده آیت باشد برای عالمین و ثانیاً در گهواره سخن گوید و حکمت های دیگری که در او است.^{۲۴}

۶. در تفسیر آیه «وَأَقْرَبُونَ»^{۲۵} امر را ارشادی دانسته و می نویسد:

«وَأَقْرَبُونَ» نشوز و اطاعت شوهر است از روی تکبر و به دلالت «تخافون» ظهور علامت و آثار آن است. و برای جلوگیری از تمکین نکردن زن از شوهرش خدای تعالی به مردها به سه عمل دستور می دهد که به ترتیب برای علاج نشوز زن عمل نمایند و ظاهر این حکم ارشادی است نه مبروی که به طور وجوب و لزوم باشد که وقتی علامت ظهور نشوز زن خود را دید به سه علاج دست بزند: «فیظوهن» او را مرعظه و نصیحت کنید؛ «واعتزوهن فی المضامع» اگر مرعظه سودی نبخشید از بستری او دوری نمایید؛ اگر این دو عمل فائده نبخشید «واعتزوهن» موقع آن می رسد که او را بزیند.^{۲۶}

دو. تفسیر سنتی از آیات
تا اینکه مفسر در موارد گذشته با مشهور مفسران اختلاف نظر داشت، ولی در موارد بسیاری نیز همان برداشت های سنتی را در تفسیر آیات پذیرفته و مطرح می سازد. در اینجا نمونه هایی از این قبیل را می آوریم:

۲۱۸۸

۲۴. مخزن العرفان، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.
۲۵. نساء (۴) آیه ۳۴.
۲۶. مخزن العرفان، ج ۴، ص ۶۳، ۶۴.
۲۷. نساء (۴) آیه ۳۴.
۲۸. مخزن العرفان، ج ۴، ص ۶۰، ۶۳.
۲۹. بقره (۲) آیه ۲۲۸.

زاد تفسیر مخزن العرفان، تالیف امین استخانی

وظیفه آنها در جامعه مختلف می گردد و مدبر و ناظم عالم هر یک را برای کاری ساخته و سازمان وجودی وی بر وی همان کار است. این است که نه کار مرد از زن به طور شایستگی ساخته می شود نه کار زن از مرد. و چنانچه تاریخ نشان می دهد قبل از اسلام به حکم غلبه قوی بر ضعیف و قانون تنازع بقا، زن ها تحت فشار و دستکاری مردها قرار گرفته بودند و چون اخلاق نیک و وظایف انسانیت بین اهالی آن زمان وجود نداشت زن را تحت تأثیر خود درآورده و از هیچ گونه نیفکاری درباره این موجود جمیل ظریف که مظهر جمال خلقت است خودداری نمی نمودند.

اگر چه مرد در بسیاری از صفات و فعالیت بر زن امتیاز دارد، لکن زن را نیز خصوصیتی است که از آن جهت بر مرد برتری دارد، قلب حساس بر عاطفه، برادر فداکار، نوع دوست، نوع پرور، رقیق القلب، مریب عالم زن را طوری خلقت فرموده که مشقت آبتنی، زاییدن، شیر دادن، تربیت اولاد نوزاد، تا مملت مدیدی بلکه در تمام ایام جوانی عهده دار باشد....

در ادامه می نویسد:

لکن با اینکه زن و مرد در بسیاری از شئونات و امور اجتماعی مثل استقلال فکر، حریت، تصرف ارادی در امور اجتماعی و فردی و تصرف و اختیار او در امور شخصی خود چنانچه فرمود: «لَا يَخَافُ عَلَيْكُمْ فِئْتَانٌ فِي آفْسِهِنَ بِالْمَعْرُوفِ»^{۳۱} و غیر اینها مساوی می باشد با این حال از بعضی جهات دیگر زن با مرد فرق دارد چنانچه اگر مقایسه شود متوسطن از مردها در خصوصیات کمالیه مثل دماغ و قلب و شراتین و اعصاب و قوای بدنی و جسه قوی ترند از زن لکن زن نیز به جهاتی مثل عاطفه، رقت قلب، میل به جمال و زینت بر مرد امتیاز دارد و دیگر از امتیازات مرد بر زن این است که حیات مرد حیات تعقلی است و حیات زن حیات احساساتی است.

آری حق زن نیست که در قضاوت شرعی که از روی کتاب الهی و سنت نبوی اخذ شده مداخله نماید، نه قضاوتی که در دادگستری ها که از روی قوانین خارجه گرفته شده و قضات آن از قوانین شرع بی خبرند که چنین قضاوتی نه بر زن رواست نه بر مرد، بلکه رجوع به چنین حکومتی رجوع به طاغوت است که در کلام الله از آن نهی شده، آنجا که فرموده «لَمَّا قَرَأَ الْقَائِلِينَ يُؤْمِنُونَ إِلَيْهِمْ «أَمْثَلًا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ مِن فَهْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَخَفَتُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»^{۳۲} چنانچه تفسیر شده طاغوت رجوع به باطل است و آن قضای که به حکم خدا و روی میزان شریعت حکم نمایند همان طاغوت است که حکم به باطل نموده.

و نیز خداوند به خودش قسم خورده که ایمان نیاورده اند؛ مگر کسانی که در فصلی خصوصاً پیغمبر خود را - حکم قرار دهند و تسلیم قضاوت او شوند آنجا که فرموده «فَلَا يُؤْتِكُمْ إِلَّا بَأْسًا بِمَا كَفَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^{۳۳} و چنانچه تفسیر شده «فَمَا فَضَيْتُمْ وَيَسْتَلُوا تَسْلِيمًا»^{۳۴}.

و شاید سر این که زن روا نیست قاضی گردد و قضاوت نماید این باشد که زن زودتر از مرد تحت تأثیر واقع می گردد و زن به آن رقت قلبی که دارد شاید نتواند راجع به جنایات و حدود و قصاص قضاوت به حق نماید و آنجا که بایستی قصاص شود از قطع بد سارق و اعدام جانی رقت قلبش مانع گردد از اینکه حکم قصاص را جاری گرداند و سب دیگر لزوم حجاب و تستر اوست که چنین امور اجتماعی با حجاب منافات دارد این است که شارع اسلام برای زن کاری معین فرموده مثل حمل، وضع حمل، ازضاع، پرستاری اطفال، ترتیب منزل و امثال اینها و مشقت کار و کسب را به عهده مرد که قوی تر و فعال تر است قرار داده.^{۳۵}

۳. در تفسیر آیه «وَمَنْ يَنْتَهِزْ فِي الْحَلِيقَةِ»^{۳۶} می نویسد:

«وَأَيُّهَا يَنْتَهِزْ أَعْنَهُمْ بَعْدَ حُرْبٍ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا لِمَنْ وَجَّهَهُمْ سَفْهُوًا وَهُوَ عَظِيمٌ»^{۳۷} «وَمَنْ يَنْتَهِزْ فِي الْحَلِيقَةِ وَهُوَ فِي الْخِمَامِ غَيْرُ مُبِينٍ»^{۳۸} در مقام مذمت کفار است که وقتی به یکی از آنان بشارت و خبر می دهند به اولاد دختری که آن را برای خدا مثل قرار می دادند یعنی دختران خدا می نامیدند روی وی از غیظ و غضب سیاه می گردد، زیرا که دختر داشتن را بر خود عار می دانستند و از خجسته باطن، زنان را نسبت به خدا می دادند و دختران خدا می نامیدند.

بعد اعتراضاً به آنها دو صفت از صفات نکوهیده زن را تذکر می دهد، یکی آنکه طبیعت زن مایل به تزئین در زر و زیور نشو و نما می نماید یعنی زن بالطبع مایل به جلوه گری و خود آرایی است و خود را به طلا آلات و لباس های حریر زینت می دهد و شاید به این جهت لباس ابریشمی و زینت نمودن به طلا برای مردها ممنوع و حرام گردیده که با زنان فرق داشته باشند و نیز چون زن بالطبع مایل به آرایش است امر شده که زینت خود را از اجانب مخفی گرداند.

و دیگر از اوصاف زن این است که فرموده «وَهُوَ فِي الْخِمَامِ غَيْرُ مُبِينٍ»^{۳۹} غالباً زن در مورد مخاصمه و استغای حق خود از روی قیاس برهانی و گفتار منطقی نتواند طرف را ملزم

- ۳۰. همان
- ۳۱. (۴) آیه ۶۰.
- ۳۲. همان، آیه ۶۵.
- ۳۳. مخزن العرفان، ج ۴، ص ۳۲۷-۳۲۲.
- ۳۴. زخرف (۴۳) آیه ۱۸.
- ۳۵. همان، آیه ۱۷-۱۸.

۶۷۱۸

گرداند و استغای حق خود بنماید، بلکه به طور قیاسات جنالی غیر بین در مقام گفتگو بر می آید و این دو صفت نقطه ضعف وجود و نقص عقل وی را می رساند و گفتار مخلوق ضعیف تر از نسبت به خدا می دهند و پسران که در نظر آنان نیر و بند و بزرگ منش ترند نسبت به خود می دهند.

و در اینکه به طور کلی مرد شریف تر و تیر و مندتر و قوی تر از زن است حرفی نیست، لکن اولاً این نسبت کلی است به کلی و درست است که اکثر مردها از حیث عقل و تدبیر و عمل شریف تر از زن به شمار می روند، لکن نه آنکه هر فردی از مرد بهتر از هر فردی از زن باشد، لکن چنانچه تاریخ نشان می دهد و به مشاهده و عیان دیده شده که زن هایی در عالم پدید گردیده اند که به مراتب بهتر از بسیاری از مردها بوده و هستند و ثانیاً چنانچه دانشمندان گفته اند اگر چه مرد در عقل و دوراندیشی غالباً قوی تر از زن است، لکن زن حساس تر از مرد است و نیز در رقت قلب و بعضی خصوصیات زن بهتر از مرد است.^{۴۰}

۲. در تفسیر آیه «لَمَّا قَرَأَ الْقَائِلِينَ يُؤْمِنُونَ إِلَيْهِمْ «أَمْثَلًا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ مِن فَهْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَخَفَتُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»^{۴۱} می نویسد:

«فَلَمَّا بِهِ قَبِيضَةً مِنْ ذُنُوبٍ أَلَمَ لَهَا مِنَ الْكَيْدِ إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ»^{۴۲} وقتی عزیز مصر دید پیراهن یوسف از عقب دریده فهمید که زلیخا خطاکار است، گفت این از کید شما زن هاست، زیرا که کید شما زن ها بزرگ است.

بعضی از مفسرین گفته اند که کید زن ها از کید شیطان بزرگ تر است، زیرا که کید زنان زود در دل می نشیند و تأثیر می کند و از بعضی علما نقل شده که گفته ترس من از زنان زودتر از ترس من از شیطان است، زیرا که خداوند کید شیطان را آنجا که فرموده: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانُ ضَعِيفًا»^{۴۳} ضعیف شمرده و کید زن را بزرگ به شمار آورده، آنجا که فرموده: «إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ» همانا کید زن ها بزرگ است.^{۴۴}

۵. در تفسیر آیه و رجال در آیات مربوط به نبوت می نویسد:

«وَمَا زِلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ الْقُرَى أَعْلَمُ بِسِيرَتِهِمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانُ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»^{۴۵}

خداوند متعال از روی فضل و کرم در هر موقعی که مصلحت ایجاب می نموده از طرف خود رسولی فرستاده که افراد بشر را از کجروی به طریق مستقیم توحید ارشاد نمایند و سنت الهی بر این جاری شده که از اهل شهرها فردی که لایق منصب رسالت و نبوت باشد آن را انتخاب نماید نه از نادیده و بیسازمان ها و نیز انسان باشد نه ملک، زیرا چنانچه تفسیر ها غالباً افرادی خرد و کم فهمید و یکی از خصوصیات رسول این است که باید در قوت عقل نظری و عقل عمسی سرآمد اهل زمانش باشد تا این که عقلا او را به رسالت و پیشوایی خلق بشناسند و باید انسان باشد تا بشود افراد بشر تعالیم مبیند آنها او را بشناسند و قول را

۶۷۱۹

بپذیرند و باید مرد باشد نه زن چون که زن نوعاً عقلش نصف عقل مرد است. زنی را هجو کردند که دعوی نبوت کرد. اصیحت بیانشا نطق فیه بها ولم ترزل انبیاء الله ذکرانا شعر بالا را درباره سجح کاشنه که دعوی نبوت کرد گفته اند.^{۴۶}

۶. در تفسیر آیه «إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ كُنَّ عَظِيمَةً»^{۴۷} می نویسد:

«ان» به معنای شرط «تقوی» به معنای فراموشی، یعنی اگر در موقع ادای شهادت یکی از آن دو زن موضوع شهادت را فراموش کرد دیگری وی را متنبه گرداند و شاید غلبه فراموشی در زن یکی از اسرار وی باشد که در شهادت دو زن را مقابل یک مرد قرار داده است.^{۴۸}

خلاصه و جمع بندی

تا اینجا دوازده مورد از مطالب مربوط به زن را از تفسیر مخزن العرفان عرضه داشتیم از این دوازده مورد در شش مورد نویسنده با دیدگاه های رایج و مشهور مخالفت می کند و تفسیرها و برداشت های گذشته را تمی پذیرد، ولی در شش مورد دیگر مانند مشهور می کرده و به همان تفسیر سنتی دست می زند.

اگر بدین نکته توجه شود که بانو امین زنی است که در فضا و فرهنگ علوم اسلامی پرورش یافته و در سال ۱۳۶۲ در سن ۹۶ سالگی از دنیا می رود و این تفسیر را در فاصله سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۲ ش تحریر کرده است، نمی توان وی را متأثر از نوآندیشی های جدید دانست، بنابراین جای این پرسش وجود دارد که آیا جنسیت می تواند در تفسیر متون و نیز متون مقدس اثر گذارد و آیا اگر زنان فرصت های برابر با مردان در عرصه های دانش و معرفت به دست آورند ممکن است نتایج علمی و معرفتی به ویژه در حوزه های علوم انسانی دستخوش دگرگونی های قابل توجه شود.

آنچه برای نویسنده محرز است اینکه، بررسی های تطبیقی میان آثار زنان و مردان با توجه به نابرابری جدی در کمیت و کیفیت بهترین پیشوانه برای دستیابی به پاسخ صحیح است و امیدوار است نوشته هایی از این دست بتوانند در دستیابی به پاسخ درست سودمند باشند.

- ۳۶. مخزن العرفان، ج ۱۲، ص ۱۲-۲۱.
- ۳۷. یوسف (۱۲) آیه ۲۸.
- ۳۸. همان.
- ۳۹. سوره (۴) آیه ۷۶.
- ۴۰. مخزن العرفان، ج ۶، ص ۳۶.
- ۴۱. یوسف (۱۲) آیه ۱۰۹.
- ۴۲. مخزن العرفان، ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۰.
- ۴۳. بقره (۲) آیه ۲۸۲.
- ۴۴. مخزن العرفان، ج ۲، ص ۲۲۹.

زاد تفسیر مخزن العرفان: بانو امین امینی